

فاصله مبلمان شهری رشت با هویت بومی

ره‌نگاران/ رشت، شهری با حافظه تاریخی زنده، اقلیم منحصربه‌فرد و فرهنگی ریشه‌دار، سال‌هاست در عرصه مبلمان شهری با چالشی مزمن دست‌وپنجه نرم می‌کند، چالشی که نه‌تنها سیمای بصری شهر را مخدوش کرده، بلکه کیفیت زیست شهری، حس تعلق شهروندان و حتی تجربه گردشگران را نیز تحت‌تأثیر قرار داده است.

به گزارش [پایگاه اطلاع‌رسانی ره‌نگاران-فاطمه لطیفی](#): در ابتدای سخن عنوان می‌شود، این یادداشت با رویکردی دلسوزانه، مسئولانه و در چارچوب نقد سازنده شهری نگاشته شده و هدف آن به‌هیچ‌وجه تخریب، سیاه‌نمایی یا نادیده‌گرفتن تلاش‌های مدیریت شهری رشت نیست، بی‌تردید اداره شهری با ویژگی‌های تاریخی، اقلیمی و اجتماعی رشت، آن هم در شرایط محدودیت منابع و پیچیدگی‌های اجرایی، مستلزم تلاش مستمر و تصمیم‌گیری‌های دشوار است و اقدامات انجام‌شده در سال‌های اخیر، قابل احترام و تأمل است. با این حال، توسعه متوازن و تعالی‌بخش شهری، بدون نقد کارشناسی، گفت‌وگوی حرفه‌ای و بازخوانی سیاست‌ها ممکن نخواهد بود. آنچه در این یادداشت ارائه می‌شود، حاصل نگاه تحلیلی و دغدغه‌مند به یکی از مؤلفه‌های مهم کیفیت زیست شهری است؛ نگاهی که می‌کوشد ضمن تبیین کاستی‌ها و چالش‌ها، بر ظرفیت‌های مغفول‌مانده و امکان‌های بهبود تأکید کند. امید است این نقد، به‌عنوان فرصتی برای اصلاح، هم‌افزایی و ارتقای تصمیم‌سازی در مسیر آینده‌ای هویت‌مندتر و شایسته‌تر برای رشت تلقی شود.



مبلمان شهری رشت امروز بیش از آنکه روایتگر هویت گیلانی باشد، بازتابی از تصمیمات مقطعی، الگوهای تقلیدی و فقدان نگاه یکپارچه در مدیریت شهری است.

شهرها تنها با خیابان‌ها و ساختمان‌ها تعریف نمی‌شوند، آنچه روح شهر را می‌سازد، جزئیاتی است که شهروند هر روز با آن‌ها زندگی می‌کند، نیمکت‌هایی که محل مکث‌اند، چراغ‌هایی که شب را امن می‌کنند، سطل‌هایی که نظم می‌آفرینند، ایستگاه‌هایی که روایت انتظارند و المان‌هایی که حافظه جمعی را زنده نگه می‌دارند. این‌ها همان «مبلمان شهری»‌اند، عناصری ظاهراً ساده اما عمیقاً اثرگذار در شکلهی به تجربه زیست شهری.

در شهری چون رشت، که باران، سبزی، بازار، گفت‌وگو و زیست جمعی در تار و پود آن تنیده شده، مبلمان شهری باید ادامه طبیعی فرهنگ و اقلیم باشد. اما نگاهی گذرا به میادین، پارک‌ها، پیاده‌راه‌ها و حتی فضاهای شاخص شهری نشان می‌دهد که مبلمان فعلی، اغلب بی‌هویت، ناهمگون، کم‌دوام و گاه صرفاً وارداتی از الگوهای است که هیچ نسبتی با زیست گیلانی ندارند. در این گزارش، با نگاهی تحلیلی، به نقد وضعیت موجود پرداخته و هم‌زمان راهکارهایی عملی و بومی‌محور برای احیای مبلمان شهری رشت ارائه می‌دهیم.



نقد وضعیت موجود مبلمان شهری رشت

بخش عمده مبلمان شهری رشت فاقد نشانه‌های فرهنگی و اقلیمی است. نیمکت‌ها، سطل‌های زباله، تابلوها و حتی ایستگاه‌های اتوبوس، نمونه‌هایی تکراری‌اند که می‌توان آن‌ها را در هر شهر دیگری دید. این در حالی است که رشت دارای گنجینه‌ای از نمادهای بومی، از چوب و سفال گرفته تا نقش‌مایه‌های بازار، شالیزار و معماری بومی است که می‌توانست الهام‌بخش طراحی باشد.

در بسیاری از معابر و فضاهای عمومی، با انبوهی از مبلمان ناهمگون مواجهیم، هر دوره مدیریتی، طرحی تازه و بدون پیوند با گذشته. نتیجه، شهری با چهره‌ای گسسته و فاقد انسجام بصری است، شهری که چشم را خسته و ذهن را سردرگم می‌کند.

رشت، شهر باران است، اما مبلمان شهری آن گویی برای شهری خشک طراحی شده، فرسودگی سریع، زنگزدگی، لغزندگی سطوح و نبود سرپناه

مناسب در فضاهای مکت، نشان از نادیده گرفتن ساده‌ترین الزامات اقلیمی دارد.

بسیاری از عناصر مبلمان، یا کارکرد لازم را ندارند یا به سرعت دچار آسیب می‌شوند. نبود برنامه منسجم نگهداشت، کیفیت پایین متریال و طراحی غیرکاربرمحور، سبب شده مبلمان شهری به جای ارتقای کیفیت فضا، خود به مسئله‌ای شهری بدل شود.



راهکارها و ایده پردازی برای احیای مبلمان شهری رشت

نخستین گام، طراحی یک سند جامع است که اصول زیبایی‌شناسی، رنگ، متریال و فرم مبلمان را بر اساس فرهنگ گیلانی و اقلیم رشت تعریف کند. این سند باید مرجع تمام پروژه‌های شهری باشد.

بازگشت به متریال بومی با رویکردی نوین گام بعدی خواهد بود، چوب مقاوم‌شده، فلزات ضدزنگ، سفال و حتی ترکیب بتن با الگوهای بومی می‌توانند مبلمان را هم‌زمان ماندگار و هویت‌مند کنند. استفاده از صنایع دستی گیلان در طراحی المان‌ها، فرصتی برای پیوند هنر محلی با شهر است.

طراحی اقلیم‌محور نیز راهکار مهم و اثربخش است، ایجاد نیمکتهای سرپوشیده، ایستگاه‌های باران‌پناه، کفسازی‌های ضدلغزش و مبلمان با

شیب مناسب برای دفع آب، از الزامات بدیهی شهری چون رشت است، الزاماتی که تاکنون کمتر جدی گرفته شده‌اند. مشارکت هنرمندان و دانشگاه‌ها برای بازتعریف مبلمان شهری بسیار مهم است، دعوت از طراحان صنعتی، معماران، هنرمندان بومی و دانشگاه‌های رشت برای ایده‌پردازی، می‌تواند مبلمان شهری را از حالت سفارشی و تکراری خارج کرده و به پروژه‌ای خلاقانه و مشارکتی بدل کند.

روایت‌سازی در فضاهای شهری هم اهمیت خارق‌العاده‌ای دارد، مبلمان می‌تواند روایتگر باشد، نیمکتی با حکایت بازار رشت، چراغی الهام‌گرفته از فانوسهای قدیمی یا المانی برگرفته از فرهنگ خوراک گیلان. این روایت‌ها، حس تعلق شهروندان را تقویت می‌کند.



مبلمان شهری رشت امروز، آیینه‌ای کدر از شهری است که می‌توانست درخشان‌تر باشد. احیای این مبلمان، نه صرفاً یک پروژه عمرانی، بلکه ضرورتی فرهنگی و اجتماعی است. بازگشت به هویت بومی، توجه به اقلیم و مشارکت جامعه محلی، می‌تواند رشت را از شهری با مبلمان بی‌چهره، به شهری با امضای بصری منحصر به فرد بدل کند، شهری که بارانش نه تهدید، که الهام طراحی است.